

پاسخی کوتاه به نوشته اخیر رفیق مینه حسامی

باخواندن نظرات رفیق مینه حسامی بر خود لازم دانستم که در نقد این نظرات و اتهاماتی که در این نوشته علیه حزب کمونیست ایران و فعالین آن نوشته شده است، نکاتی را بطور مختصر توضیح دهم. من قصد ندارم در مورد نظرات رفیق مینه و رفقای طیف فعالیت با نام کومه‌له، وارد مجادله شوم. چون تاکنون رفقای زیادی در نقد نظرات انحرافی این رفقا نوشته‌اند و بدرستی دیدگاه‌های نادرست آنها را به نقد کشیده‌اند. و اما نکاتی که می‌خواهم بآنها اشاره کنم بیش از هشت سال است که رفقای طیف فعالیت بانام کومه‌له، اعلام موجودیت کرده‌اند. در این فاصله زمانی هر وقت که فرصت را غنیمت شمرده‌اند بر علیه حزب کمونیست ایران و فعالین آن چ بصورت شفاهی و تشکیل جلسات و سمینار و چ بصورت کتبی ابراز نظر کرده. حزب کمونیست ایران را به چالش کشیده و خواستار انحلال آن بوده‌اند. آخرین اقدام این رفقا قبل از تشکیل کنگره سیزده کومه‌له در تابستان امسال بصورت فراکسیون اعلام موجودیت کردند. پیرامون این فراکسیون بخصوص در خارج کشور تلاش زیادی نمودند. که حمایت طیف وسیعی از موخالفین کمونیسم و حزب کمونیست ایران را جلب نمایند، با این خیال که این حمایت‌های طوماری که برایش تبلیغات وسیعی کرده بودند، بتواند در کشمکش‌های درون تشکیلاتی در جریان برگزاری کنگره سیزده کومه‌له، موقعیتی مناسبتری را برایشان دست و پا کند.

اما در جریان برگزاری کنگره سیزده کومه‌له همگی شاهد بودیم و بحث‌های کنگره هم باصراحت کامل و بروشنی نشان داد. که این جار و جنجال و اعلام حمایت طوماری نه تنها آنها را از موقعیت بهتری برخوردار نکرد، بلکه برعکس در این کنگره نسبت به کنگره‌های قبلی از موضعی ضعیفتر ظاهر گشتند. اگر در کنگره‌های قبلی این مجال برایشان فراهم بود که چند نفری از این رفقا خود را برای کمیته مرکزی کاندید کنند، حداقلاً مکان دو سه نفری از آنها برای کمیته مرکزی انتخاب میشدند. در این کنگره این مجال به آنها داده نشد و خود به صراحت اعلام کردند، بدلیل اینکه فضای حاکم بر کنگره و وضعیت عمومی تشکیلات در بعدی گسترده، بطوری که خودشان آنرا پیش بینی نکرده بودند.

و انتظارش را نداشتند، بر علیه‌شان است، خود را برای کمیته مرکزی کاندید نمی‌کنند. جای خود دارد که به این رفقا گفته شود. که بجای تلاش برای امضاء جمع کردن در میان مخالفین کمونیسم و حزب کمونیست ایران و برخ کشیدن این طومارها در جریان برگزاری کنگره سیزده کومه‌له بهتر نبود از آن فضای سیاسی و رفیقانه‌ای که بر کنگره حاکم بود، استفاده مناسبتری میکردید خود را آماده میکردید که بصورتی جدی‌تر، مسایل مورد اختلاف آنطور که خود مدعی هستید، روشن نمائید. رفقا، تاریخ مبارزات طبقاتی ثابت کرده است. چنین حمایت‌های که رفیق مینه از آنها بعنوان حمایت‌های سیاسی نیرومند صحبت میکند، و بناچار در تقابل با حزب کمونیست ایران از آنها بهره مگیرد، در میدان واقعی مبارزه نیرویی کارساز نیستند. تنها اگر تجربه کنگره سیزده کومه‌له که تابستان امسال برگزار گردید را در نظر بگیرید، نباید روی چنین نیرویی آنطور که رفیق مینه را به وجد آورده است حساب باز کنید. رفیق مینه و سایر رفقا نیکه در جریان انشعاب سازمان زحمتکشان بودند، شاهدند که حزب کمونیست ایران و کومه‌له در جریان این انشعاب هم با چنین پدیده‌ای روبرو گردید، آنها هم در همان روزهای اول برای آبرومند و پر طرفدار جلوه دادن انشعابشان، چ در داخل اردگاهها و چ در بیرون از تشکیلات دست به جمع آوری نیرو زدند. تبلیغات وسیعی براه انداختند، به نیروی دیگری هم پشت بسته بودند. ولی بمرور زمان دیدیم این نیروی ناهمگون که آنها به حمایتشان دل بسته بودند، بخش عمده‌شان از مدتها پیش از جدایی زحمتکشان با صراحت بیشتری مرزبندی سیاسی خود را باچپ کمونیسم روشن کرده بودند. بخش دیگر این نیرو در کمین حمله و تعرض به حزب کمونیست ایران و کومه‌له نشسته بودند، سرانجام آن نیروی کارسازی نبود که سران انشعاب روی آن چرتک می‌انداختند و بآن می‌بالیدند.

رفقای طیف فعالیت بانام کومهله باید بدانند مباحثی که تاکنون چ نوشتاری چ صوتی مطرح کرده‌اید ، جدای از براه انداختن جار و جنجال و اتهاماتیکه نثار رهبری حزب و کومهله و فعالین این حزب کرده‌اید، نتوانسته‌اید آنطوریکه خود ادعا میکنند نقطه نظرانتانرا به روشنی در زمینه‌های مورد اختلاف طرح کنید . و به ابهامات و کلی گویی‌هایی که تاکنون در پرده ابهام قرار دارند ، جوابی صریح ، روشن و سیاسی بدهید . گویی این رفقا مدت این هشت سال را برای ابراز نظراتشان کافی نمی دانند یا اینکه در عالم واقع خودشان هم بیشتر از این که تاکنون گفته یا نوشته‌اند ، چیز بیشتری در چینه ندارند که در اختیار عموم قرار دهند . یا اینکه این رفقا در ابراز نظراتشان جدی نیستند ، یا اینکه برسر مسائل مورد اختلاف با حزب و کومهله با همدیگر اختلاف نظر دارند ، که نتوانسته‌اند تاکنون بآن بپردازند .

مناسفانه این رفقا بجای اینکه با جدیت و متانت سیاسی در تلاش برای طرح نظراتشان باشند ، یا کلی گویی کرده و یا اینکه تاکنون ما شاهدش بوده‌ایم بیشتر به مسائل جانبی ، فرعی و تشکیلاتی چسبیده جار و جنجال بپا کرده ، و کوله‌باری از اتهامات ناروا با لحنی پرخاشگرانه نثار رهبری حزب و کومهله و فعالین این حزب کرده‌اند .

در حالیکه این رفقا آنطوری که خود مدعی هستند ، اگر واقعا کسانی جدی و دلسوز بحال طبقه کارگر و مدافعین راستین رفع ستم ملی بودند ، بجای اینکه جار و جنجال بر پا کنند و به مسئل حاشیه‌ای و جانبی و تشکیلاتی بچسبند و فضای سیاسی ناسالمی بسازند . می بایست پیگیرانه در تلاش می بودند که فضای سیاسی سالمی ایجاد کنند ، و در کمال صمیمیت و مجدانه بطرح اصولی نظراتشان بپردازند و آنرا در اختیار عموم قرار دهند و قضاوت را بآنها بسپارند . در اینجا این سوال پیش می‌آید ، آیا واقعا مشکل این رفقا برای ادامه راهی که در پیش گرفته‌اند . اسم و رمز است که خود انتخاب کرده‌اند . ، فراکسیون یا اقلیت تشکیلاتی ، این رفقا بروشنی میدانند که در اساسنامه حزب کمونیست ایران ، (که آنها اساس و بنیان این حزب را قبول ندارند و همیشه ندای انحلالش را سرمی‌دهند .) اشاره‌ای به تشکیل فراکسیون نشده و علی القاعده تصمیم برسمیت شناختنش را باید مرجع صلاحیتدار آن یعنی کمیته مرکزی حزب تأیید یا رد کند . گویی این رفقا آگاهانه اعلام فراکسیون کرده‌اند ، تا اینکه مدتی دیگر در ورای این نام جار و جنجال بپا کنند و اتهامات ناروا نثار رهبری حزب و فعالینش کنند . اگر غیر از اینست و بقول خودتان ندای وحدت طلبانه سر داده‌اید و عقیده دارید که میتوان در چنین فضایی باز هم کار مشترک کرد . چرا به وعده خود وفادار نیستید ؟ حال که در این تشکیلات در اقلیت قرار دارید چرا به رای اکثریت احترام نمی‌گذارید ؟

رفیق مینه حسامی و سایر رفقای فعالیت با نام کومهله ، باید بدانند که فعالین و اعضای حزب کمونیست ایران و کومهله از براه انداختن این جار و جنجالها که بر سر مسائل جانبی و تشکیلاتی بر پا میکنند ، و از آن همه اتهامات و توهینهای ناروا و غیره صمیمانه که نثار رهبری ، اعضاء و فعالین این حزب میکنند بشدت عصبانی و ناراحتند . رفقا این شیوه و شگردی که تاکنون بکار گرفته‌اید نه تنها مفید و کارساز نبوده بلکه مخرب بوده‌است . اعضاء و فعالین این حزب انتظار دارند و از شما میخواهند که مسائل اصلی مورد اختلاف را بشیوه‌ای اصولی، صریح و روشن در فضایی سالم و رفیقانه مطرح کنید .

رفقا ، انصاف داشته باشید . چه جریانی تاکنون باندازه حزب کمونیست ایران و کومهله در مقابل مخالفین درونیش آنهم در پروسه‌ای بیش از هشت سال این چنین با متانت و احترام و صمیمیت رفتار کرده‌است . در تاریخ مبارزات کارگری و جنبش کمونیستی کمتر نمونه‌ای میتوان پیدا کرد . اگرچه من معتقدم که رهبری حزب و کومهله در طول این هشت سال تا مقطع کنگره سیزده کومهله و بعد از آن بیش از اندازه با شما ، رفقای طیف فعالیت با نام کومهله ، مامشات جویانه و سهل انگارانه برخورد کرده است . چون شما از روز اول اعلام موجودیتان سر این حزب را نشانه گرفته و ندای انحلال آنرا سر میدهید ، در این راه هر چه از دستتان برآمده کوتاهی نکردید .

رفیق مینه در بخشی از نوشته‌اش طوری در مورد آزادی بی قید و شرط سیاسی حرف میزند و رهبری حزب و کومهله را مورد اتهام قرار میدهد ، گویی این رفیق یا تاریخ این حزب و این جنبش را نمی شناسد . یا اینکه حتی با موازین ابتدائی مبارزه سیاسی حزبی نیز آشنایی ندارد . رفیق مینه میبایست

لااقل در نوشته‌اش نشان میداد که باموازین و ضوابط کار حزبی و تشکیلاتی آشنایی دارد ، آنوقت جا داشت رهبری حزب و کومهله و فعالین آنرا اتهام باران کند . رفیق مینه عزیز ، در هر حزب و سازمانی که اساسنامه مصوب وجود داشت . هر کس یا گروه نمیتواند بمیل خود و بر اساس نیاز سیاسیش ماده یا بندی از آنرا بنفع خویش تغییر دهد ، و یا اینکه چون با حزب اختلاف سیاسی دارد . خود را موظف به رعایت کردن اصول و ضوابط آن حزب نداند .

رفیق مینه بخوبی میداند که در حزب کمونیست ایران فقط کنگره است که از این حق برخوردار است که بندی و یا کل اساسنامه را تغییر دهد . اما رفیق مینه در نوشته‌اش با زبان بی زبانی می خواهد بگوید که ما چون یک اقلیت تشکیلاتی در درون حزب کمونیست ایران هستیم ، باید هر طوری که می خواهیم از آزادی بی قید و شرط سیاسی استفاده کنیم . رفیق مینه نمی خواهد بپذیرد که این رفقا در حزبی اعلام ، فراکسیون ، کردهاند که این حزب برنامه و اساسنامه دارد و اساسنامه ناظر بر تنظیم روابط و مناسبات درونی حزب و کومهله میباشد . رفیق مینه خودش سالیهای زیادی در سمت مسئول دبیرخانه کومهله با این اساسنامه کار کرده است و رفقای تشکیلاتی را مورد تنبه قرار داده است . جهت یاد آوری به رفیق مینه ، در اساسنامه حزب کمونیست ایران در ماده دوم چنین آمده است .
اصل پایه‌ای سازمانی حزب کمونیست ایران سانترالیسم دموکراتیک است و بر این اساس حزب موازین زیر را مبنای مناسبات تشکیلاتی خود قرار میدهد .

1/ تبعیت فرد از قرارها و مصوبات حزب ، اقلیت از اکثریت

2/ تبعیت ارگانهای پائین تر از بالاتر و تبعیت تمام حزب از کمیته مرکزی

3/ انتخابی بودن کلیه ارگانهای رهبری از پائین تا بالا ، همه ارگانهای رهبری برای دوره‌های معینی انتخاب می شوند

4/ مختار بودن سازمانهای محلی حزب در امور داخلی و محلی خود

5/ محفوظ بودن حق اقلیت هر سازمان حزبی برای آنکه همه اعضاء آن سازمان را از نظر اختلافات خود با اکثریت مطلع نماید .

رفیق مینه عزیز ، همچنانکه می بینیم در اساسنامه حزب کمونیست ایران به صراحت گفته شده است که اقلیت تشکیلاتی باید از اکثریت تبعیت کند . شما رفقا هم اگر میخواهید در این حزب به فعالیت خود ادامه دهید و بکار مشترک اعتقاد دارید . باید تابع اساسنامه حزب باشید . نباید انتظار داشته باشید چون با سیاستهای حزب اختلاف دارید ، این حزب در حق شما از موازین و ضوابطش عدول کند . چون دیگر برای اعضای و فعالین این تشکیلات قابل قبول نمی باشد .

نکته دیگری که در اساسنامه بآن اشاره شده است ، باید همه اعضای حزب را از اختلاف نظرات خودتان مطلع نمائید . اگر چه مسائلی که تاکنون جسته و گریخته و مبهم مطرح کرده‌اید . بخوبی هدف و نیت شماها بر ملا مسازد . آنهم ندای انحلال حزب کمونیست ایران و تضعیف کومهله از موضعی راست می باشد . حال که خود مدعی هستید نا گفته‌های دارید بفرمائید . ماهم منتظر ارائه نظرات تازه شما هستیم . رفیق مینه ، در بخشی دیگر از نوشته‌اش با لحنی توهین آمیز رو به رهبری و اعضاء و فعالین حزب و کومهله چنین می نویسد .

(در یک چنین شرایطی گفتار و کردار رهبری حکا یک هماهنگی و انسجام نامیمون پیدا میکند در گفتار با تفسیر محدود بودن آزادی در درون تشکیلات و در عمل نیز با بسیج و تحریک اعضاء آگاهانه فضایی مسموم در درون تشکیلات ایجاد میکند . با اتکاء به چنین فضایی ، سعی میکند تا حدامکان یا مخالفین را وادار به سکوت و بیعت نمایند و یا توسل به ارباب و شخصیت شکنی افراد را وادار به ترک صفوف تشکیلات نموده یا مورد تصفیه قرار می گیرند .)

اگر چه در پائین همین پراگراف به تجربه تلخ پلنوم 16 اشاره میکند و غیره منصفانه فضای حاکم بر تشکیلات حزب و کومهله را با فضای پلنوم 16 تشبیه میکند . هرکس این نوشته رفیق مینه را کمی بادقت بخواند زود متوجه می شود . که نویسنده این مقاله در کمال عصبانیت با لحنی پرخاشگرانه حزب کمونیست ایران و کومهله و اعضاء و فعالینش را مورد توهین و اتهامات ناروا قرار داده است .

زیرا جواب دادن به بعضی از مواردیکه در این نوشته آمده است را می توان به حساب عصبانیت گذاشت و از جواب دادن بآن صرفنظر کرد. ولی بعضی موارد را نباید بی جواب گذاشت .

و اما به اصل موضوع بر گردیم ، رفیق مینه در پاراگراف بالا اعضاء و فعالین حزب و کومهله را مورد توهین قرار میدهد و آنها را افرادی چشم و گوش بسته و بی اراده قلمداد میکند . بطوریکه تحت تاثیر تحریکات رهبری حزب بسیج شده و به ابزاری برای بوجود آوردن فضایی مسموم جهت سرکوب و تصفیه مخالفین درون تشکیلات تبدیل گشته اند . رفیق مینه حق ندارد تحت لوای داشتن اختلاف ، به رهبری ، اعضاء و فعالین حزب و کومهله توهین کند و براحتی این چنین پرخاشگرانه آنها را مورد اتهام قرار دهد . گویا این چنین می خواهد از حقانیت راهش دفاع کند ؟

رفیق مینه و همفکرانش باید بپذیرند که اعضاء این حزب همگی آگاهانه و با میل و رضایت کامل و بدون احساس کوچکترین فشاری برنامه و اساسنامه این حزب را قبول کرده و در آن بصورتی متشکل فعالیت و مبارزه حزبی خود را پیش می برند و آگاهانه و داوطلبانه آزادی سیاسی خود را در این چهار چوب حزبی مشروط کرده اند . رفیق مینه چگونه بخود اجازه میدهد این چنین همزمان صمیمی و صادق و کمونیست خود را مورد توهین قرار دهد و آنها را افرادی توطئه گر و بی اراده و غیره نام میبرد . می خواهید از این طریق برای خود کسب امتیاز کنید ؟ نمی دانید نا خواسته خود را در میان خیل عظیم ضد کمونیستها قرار می دهید ؟

رفیق مینه در قسمتی دیگر از نوشته اش ، باین نکته اشاره نموده که ندای وحدت طلبی فراکسیون هم در درون تشکیلات و هم در سطح جامعه اساسا بر این مبناست که نمی خواهند کومهله از این بیشتر دچار ریزش و آسیب گردد و در ادامه میگوید ما با احساس مسئولیت از ریزشی دیگر جلوگیری میکنیم . در جواب باین ادعای رفیق مینه ، ابتدا باید به مسئله وحدت طلبی این رفقا پرداخت . آیا ندای وحدت طلبی این رفقا در چ شرایطی و به چه منظوری بوده است ؟

در این رابطه باید نگاهی گذرا به پروسه فعالیت هشت ساله رفقای طیف فعالیت با نام کومهله انداخت . تاروشن گردد این رفقا آنطوری که خود مدعی هستند ، ندای وحدت طلبیشان از سر دلسوزی برای کومهله است ؟ یا غیر از آن

رفقای ، طیف فعالیت بانام کومهله ، از ابتدای شروع کارشان یعنی از زمانی که بعنوان یک طیف معین حزب کمونیست ایران و کومهله به چالش کشیدند . ضرورت حیات این حزب را به زیر سوال بردند و فعالیت خود را بر اساس متلاشی کردن حزب کمونیست ایران پایه گذاری کردند . خود سرانه و بدون رعایت اصول و ضوابط تشکیلاتی تمامی نرمهای جا افتاده در حزب کمونیست ایران و کومهله را زیر پا گذاشتن . جلسات و سمینارهای ضد حزبی و محفلی برپا میکردند و در این رابطه هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی شناختند . وقتی هم که اعلام فراکسیون کردند در اطلاعیه اعلام موجودیتشان تاکید کردند که حزب کمونیست ایران موجودیت قائم بذات و بیرونی ندارد و چیزی جز سایه کومهله نیست . حال باین عملکردی که تاکنون این رفقا از خود نشان داده اند . چگونه می توان به ندای وحدت طلبی آنها باور کرد . نا ، رفقای طیف فعالیت با نام کومهله ، شما نه تنها وحدت طلب نیستید بلکه کماکان انحلال طلب هستید . اگر هم در جریان بحثهای کنگره سیزده کومهله ندای وحدت طلبی سر دادید و آنرا بحساب دلسوزی برای کومهله گذاشتید . تحت فشاری بود که در کنگره سیزده کومهله لمس کردید . فشار سیاسی حاکم بر فضای کنگره و توازن قوای واقعی تشکیلاتی که بر علیهتان خود نمایی میکرد . شما را باین نتیجه رساند که ندای وحدت طلبی سر دهید . بدانید که اعضاء و فعالین حزب و کومهله از این هوشیارترند که به چنین ندای زیرمکانه ای باور کنند . زیرا شما به همان شیوه ای عمل میکنید و باور دارید که تاکنون انجام داده اید . آنان که باد میکارند طوفان درو خواهند کرد .

رفیق مینه در پاراگراف دیگری ، رهبری حزب کمونیست ایران را در مقابل این سوال قرار میدهد و می پرسد که چرا کارگاه حزب کمونیست ایران مدام انسانهای ناسیونالست و لیبرال و... بیرون میدهد ؟ و در ادامه می نویسد پرسش واقعی این است که اساسا چرا آدمهای فداکار و درستکار و پیگیر این تشکیلات در چنین مسیری گام می نهند . آیا ایراد از این آدمهاست یا از خط فکری حاکم و ناظر بر این تشکیلات ؟

باید برای رفیق مینه متاسف بود که از روی ناچاری با شگرد جریانات کمونیزم کارگری به مقابله با حزب و کومهله برخاسته است. چون این جریانات هم حزب کمونیست ایران را به کارگاه تولید ناسیونالیسم و غیرو تشبیه میکنند و دقیقاً مثل رفیق مینه و همفکرانش میگویند حزب کمونیست ایران متلاشی شده و بعد از جدائیهای سال 1991 دیگر حزبی وجود ندارد و حال هم در صدد متلاشی و تضعیف کردن آنکه با اسم حزب کمونیست ایران و کومهله است، می باشند.

در جواب به رفیق مینه باید گفت، رفیق عزیز قبل از هر چیز نباید خصوصیات اخلاقی و فردی انسانها را مبنای اصلی مبارزه سیاسی و تشکیلاتی قرار داد. بلکه نوع نگرش سیاسی و طرز تفکر انسانهاست که در جریان مبارزه سیاسی و طبقاتی عملاً با هم در تقابل قرار میگیرند. کلمات فداکار، درستکار و پیگیر جزو خصوصیات فردی و اخلاقی انسانها محسوب میشوند.

با این توضیح، این حزب کمونیست ایران نیست که بکارگاه تولید انسانهای ناسیونالیست و لیبرال و... تبدیل گشته است. بلکه این مبارزه سیاسی و طبقاتی گرایشات درونی این تشکیلات است که بطور فعال وزنده بی وقفه در جریان است. حزب کمونیست ایران بمثابة یک پدیده زنده اجتماعی و تاریخی در مبارزات جنبش کمونیستی و طبقاتی دارای تاریخی روشن و مشخص است. که تاریخ این حزب با تاریخ ورشد و تکامل مبارزه طبقاتی و تمامی فراز و نشیبهای این مبارزه در جامعه ایران منطبق است.

در واقع حزب کمونیست ایران حامل خصوصیات کلی جامعه ایران است که بارزترین این خصوصیات مبارزه طبقاتی می و حاضریت که ما و شما را در دوجبهه متضاد در مقابل هم قرار داده است.

پس رفیق مینه عزیز، این وجود حزب کمونیست ایران نیست که باعث تولید ناسیونالیسم و سایر گرایشهای غیره کارگری دیگر میشود. بلکه این مبارزه سیاسی و طبقاتی درونی حزب است که مدام در جریان است. همچنانکه گفته شد مبارزه سیاسی و طبقاتی درون حزب کمونیست ایران کومهله انعکاسی از مبارزه طبقاتی جامعه ایران است. مبارزه طبقاتی چ در درون جامعه ایران و چ در درون حزب و کومهله مبارزه ایست ناگزیر که در جریان آن در درون حزب شاید به تصفیه سیاسی

ایدئولوژیک و انشقاق منجر گردد بی گمان این انشعابات از لحاظ تشکیلاتی و کمی ضرباتی بر پیکر این حزب وارد خواهند کرد. اما بلحاظ سیاسی ایدئولوژیک به حزب استحکام بیشتری می بخشد چنانکه تا کنون در تاریخ حزب کمونیست ایران و کومهله شاهدش بوده ایم.

انشعابات که در حزب کمونیست ایران کومهله صورت گرفتند بی گمان لطمات زیادی بر پیکر این تشکیلاتها وارد کرد. در جریان این دو انشعاب تعداد کثیری از کادرها و اعضاء پاپراکنده شدند و یا به سمت جریانات مورد نظرشان رفتند. اگر منصفانه قضاوت کنیم میتوان گفت که پیگیرترین و انقلابی ترین کادرها و اعضاء در حزب کمونیست ایران باقی ماندند. تا در جهت بسط و گسترش هر چه بیشتر مبارزه طبقاتی و روشنتر نمودن استراتژی و سیاستهای این حزب گام برداشته و پرچم سرخ کمونیستی این حزب بر افراشته نگاه دارند.

اما اگر علت این ضرباتی که بر پیکر حزب و کومهله وارد آمده است را نتیجه وجود حزب کمونیست ایران بدانیم، چنانکه شما رفقای طیف فعالیت با نام کومهله اینچنین فکر کرده و در صدد انحلال و متلاشی کردن حزب و تضعیف کومهله تاکنون عمل کرده اید، این طرز تفکر و شیوه نگرش نه تنها درکی ایده آلیستی از تاریخ است بلکه متدیست ذهنی و پادر هوا از جنبه سیاسی هم کاملاً راستروانه می باشد. این حزب را میتوان از زوایای مختلف مورد انتقاد درست و سازنده قرار داد و بر روی کمبودهایش به روشنی و صراحت انگشت گذاشت. اما نه اینکه موجودیت حزب کل پروسه مبارزه و حرکت تاریخی پیشرو و سرنوشت ساز این جریان مترقی و کمونیستی را نفی کرده و برای انحلالش تلاش نمائید. بی شک این طرز تلقی این ارزیابی و این روش برخورد چیزی اپورتونیزم و انحلال طلبی نمیتواند باشد.

اکنون حزب کمونیست ایران علیرغم هر کمبود و ایرادی که بآن وارد است. جریانیست پیشرو دارای خط مشی سیاسی، برنامه و استراتژی و سیاست روشن این حزب از ظرفیت و توان مناسبی در تقابل با گرهی ترین مسائل پیشروی مبارزه طبقاتی در ایران برخوردار است. لذا تمامی کسانی که نسبت به سرنوشت مبارزه طبقاتی در ایران احساس مسئولیت میکنند باید این حزب را تقویت کنند.

متأسفانه این شما رفقای طیف فعالیت با نام کومه‌له هستید که به این تجربیات ارزنده که به قیمت از کف رفتن فعالیت تعداد زیادی از کمونیستها که در طول زندگی و تاریخ حزب کمونیست ایران و کومه‌له به دست آمده است . ارجی نمی‌نهد و کماکان بر فراکسیون بازی که کاملاً مخالف اساسنامه حزب کمونیست ایران است پای می‌فشارید و در تلاش برای انحلال حزب کمونیست ایران هستید .

محمد قادری

24 اکتبر 2008